

کلاس‌های ابتدایی اگر خشک و خاکستری نباشند، معمولاً انباشته از رنگ‌ها و کاردستی‌ها و آویزهای رنگی‌اند. مسئله این است که کلاس‌ها رنگ دارند، اما هیچ بویی ندارند. بوی یکی از حواسی است که به‌طور مستقیم با حافظه‌ی افراد مرتبط است. شاید انسان چهره‌ی مادر بزرگش را فراموش کند، اما هیچ‌گاه بوی قورمه‌سبزی از یادش نمی‌رود و با حس آن به‌سرعت یاد مادر بزرگش می‌افتد!

ما سعی کردیم کمی گردو خاک راه بیندازیم و با کاشت سبزی‌های معطر کاری کنیم فضای کلاس‌مان نفس کشیدن را برای دانش‌آموزان به امری لذت‌بخش و خاطره‌انگیز تبدیل کند. این گزارش درباره‌ی کلاس سبزی مادر «دبستان شهید استاد عظیم» تهران است. فعالیت سخت، پرهزینه و زمان‌بری نبود، شما هم می‌توانید سبزی باشید.



آن قدر پای کارت بمان تا زیر پایت ریحان سبز شود!

فاطمه اسکندرزاده

آموزگار پایه‌ی چهارم مدرسه‌ی استاد عظیم
منطقه‌ی ۱۲ تهران



اهداف کلاس سبز

برای داشتن کلاسی سبز از ته قلب باید به موارد زیر اعتقاد داشت:

۱. حضور موجودی زنده در کنار دانش‌آموزان

یکی از موضوعاتی که در زندگی شهری به‌شدت از آن فاصله گرفته‌ایم، دوری دانش‌آموزان از محیطزیست و حیات وحش است. بچه‌های ما قد کشیدن موجود زنده را جلوی چشم خود نمی‌بینند. منتظر جوانه زدن گیاهی نیستند و نگران درختی که برگش زرد شده است نمی‌شوند. یکی از مهم‌ترین تصمیمات من این بود که دانش‌آموزانم را با موجودی زنده مواجه کنم. زمانی که شاهی‌ها در فاصله‌ی ساعت یک صبح تا ظهر قد کشیدند، هیجان بچه‌ها به‌قدری زیاد بود که خود من نیز واقعاً هیجان‌زده شدم! اگرچه ممکن است تصور اولیه‌ی معلمان این باشد که حضور موجودی زنده در کلاس تمرکز دانش‌آموزان را می‌گیرد، اما تجربه به ما ثابت کرد، آن‌ها پس از مدتی گیاه را به‌عنوان عضوی از کلاس می‌پذیرند و قبول می‌کنند گیاه هم مثل خودشان گاهی سبز و گاهی خسته باشد.

۲. به وجود آوردن احساس مسئولیت‌پذیری

معلمان مدام در گوش بچه‌ها می‌خوانند باید مسئولیت‌پذیر باشند، اما دانش‌آموز پیش از قبول مسئولیت، در قدم اول باید آن را دوست داشته باشد. ما سعی کردیم با انتخاب گلدان‌های کاملاً مشابه و بذره‌های مشابه در هر نوبت، حس رقابت را بین بچه‌ها از بین ببریم و اجازه دهیم همه برای حفظ تمام گلدان‌هایی که خودشان کاشته بودند تلاش کنند. برای تحقق این هدف نیز هرروز دو نفر از دانش‌آموزان مسئول گلدان‌ها می‌شدند و مسئولیت آبیاری، جابه‌جا کردن گلدان‌ها براساس سردی و گرمی هوا و نور به عهده‌ی خودشان می‌افتاد.

۳. زمان گذاشتن برای جبران اشتباهات هر دانش‌آموز

مدرسه ادعای آموزش همگانی را دارد، اما در پروسه‌ی یادگیری هیچ جایی برای

جبران اشتباهات دانش‌آموز نمی‌گذارد. به‌رحال همه‌ی ما اشتباه‌هایی کرده‌ایم و از آن‌ها درس‌هایی گرفته‌ایم. من برای اجرای طرح کلاس سبز، با اینکه ۳۰ دانش‌آموز داشتم، ۱۵ گلدان گرفتم. سه ماه اول تمام سبزی‌ها خراب شدند. دلیلش این بود که دانش‌آموزان شروع می‌کردند به الک کردن خاک گلدان‌ها، کوبیدنشان گاهی هم درگیر جدل‌های بین خودشان می‌شدند و کسی به راهنمایی‌های من گوش نمی‌کرد. تازه بعد از سه ماه وقتی گیاهان گلدان‌ها درنیامدند، بچه‌ها کم‌کم رغبت نشان دادند به اینکه حالا چه کار کنیم؟

۴. دریافت پاداش از عملکرد خود دانش‌آموزان

من به چند دلیل برای گلدان‌ها بذری سبزی را انتخاب کردم، اما یکی از دلایل اصلی و مهم، زودبازده بودن سبزی‌کاری است. بچه‌ها کاربرد و نقاشی برای منطقه و اداره می‌فرستند، اما جوابی به دستشان نمی‌رسد. ما در پایان هر نوبت سبزی‌کاری

جشن نان و پنیر و سبزی راه می‌اندازیم و یک زنگ تفریح باهم از سبزی‌هایی که خود بچه‌ها کاشته‌اند، می‌خوریم. این طوری لذت سبزی خوردن هم بیشتر می‌شود!

۵. ماندگار کردن عطر و بوی هر کلاس علوم درس می‌دهیم و بوی ریحان فضا را پر کرده است. می‌رسیم به ریاضی، عطر نعنا می‌آید.

من چندین سال کوه‌نورد بودم. طبیعت واقعاً عشق و علاقه‌ی من است. حتی همین حالا هم تمام تراس خانام پر از رز و یاس و انارهای زینتی است. دلم نمی‌آمد بچه‌ها از مفهوم طبیعت دور باشند. ما برای این کار هزینه‌ی خاصی نکردیم. شهرداری گلدان و خاک می‌دهد، بچه‌ها با خودشان بیلچه می‌آورند و من هم بذر می‌برم. اما همین کارهای به‌ظاهر ساده باعث می‌شود ده‌سال بعد، زمانی که دانشجو وسط حل انتگرال سه‌گانه به ضرب دورقمی می‌رسد، یاد این کلاس و عطر نعنا در مشامش پیچد. برای من همین هم کافی است.

